



دانشنامه‌ی

تفسیر و مفسر

پژوهشی تفصیلی درباره‌ی پیدایش تفسیر، تحولات، انواع و مکاتب آن،
همراه با ارائه‌ی کامل مشهورترین مفسران و تحلیل کامل مهم‌ترین
کتاب‌های تفسیر از عصر پیامبر ﷺ تا روزگار کنونی

جلد یکم

تألیف:

شادروان دکتر محمد حسین دهجم

(وزیر اسبق اوقاف مصر)

مترجم:

زاهد ویسی

ناشر: آراس ۱۳۹۵

سرشناسه :
عنوان قراردادی:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:
یادداشت:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
شماره افزودن:
رده ی کنگره:
رده بندی یونیسکو:
شماره ثبت اناسی ملی:

ذهبی، محمد حسین Dhahabi, Muhammad Husayn
التفسير والمفسرون: بحث تفصیلی عن نشأةالتفسير و تطوره و الوانہ و مذاہبہ... فارسی
دانشنامه ی تفسیر و مفسر... تألیف محمد حسین ذہبی؛ مترجم زاهد ویسی.
سندرج: آراس، ۱۳۹۴ -
ج: ۲۱/۵/۱۴۵۵ م.س.
ج: 5۱-39-600-978 : دوره 8-38-600-978
فیبا
کتابنامه.
تفسیر -- تاریخ
تفسیر -- فن
مفسران
ویسی، زاهد، ۱۳۵۶ - مترجم
BP ۹۲/۷۰۴۱ ت ۱۳۹۴
۱۹/۲۹۷
۴۱۰۵۹۴۰

- نام کتاب: دانشنامه تفسیر و مفسر ج ۱
- تألیف: دکتر محمد حسین ذہبی
- ترجمه: زاهد ویسی
- ناشر: آراس - حافظ رو
- نوبت چاپ: یکم، بهار ۱۴۰۵
- شمارگان: ۲۰۰۰ دوره
- شابک دوره: ۸-۳۸-۷۶۸۲-۶۰۰-۷۸
- شابک جلد ۱: ۵-۳۸-۷۶۸۲-۶۰۰-۷۸
- قیمت دوره: ۷۵۰۰۰ تومان
- آماده سازی: توسعه کتاب ۰۸۷۳۳۱۷۳۲۴۲ و ۰۸۷۳۳۱۷۳۲۴۳
- مرکز پخش: تاباد، میدان سعدی، کتابفروشی سنت، تلفن ۰۵۱۵۴۵۳۵۳۱۰

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب متعلق به ناشر است و هر گونه تکثیر و کپی برداری تجاری از آن شرعاً حرام است و مورد تعقیب قانونی قرار می گیرد.

فهرست مطالب

۲۰	پیش درآمد مترجم
۶۳	زندگینامه شهید ذمی
۶۹	دیاچه
۷۹	مقدمه
۸۱	مبحث ۱: معای تفسیر و تأویل، و تفاوت میان آنها
۸۱	تفسیر
۸۱	تفسیر در لغت
۸۲	تفسیر در اصطلاح
۸۵	تأویل
۸۵	تأویل در لغت
۸۸	تأویل در اصطلاح
۸۸	۱- تأویل از نظر سلف
۸۸	۲- تأویل از نظر متأخران، اعم از فقهیه، مفسران، محققان و مصوفه
۹۰	تفاوت میان تفسیر و تأویل و نسبت میان آنها
۹۵	مبحث ۲: تفسیر قرآن با زبان غیر عربی
۹۶	ترجمه حرف به حرف قرآن
۹۸	ترجمه حرفی، تفسیر قرآن نیست
۱۰۰	ترجمه تفسیری قرآن
۱۰۲	تفاوت تفسیر با ترجمه تفسیری
۱۰۲	شروط ترجمه تفسیری
۱۰۵	مبحث ۳: آیا تفسیر قرآن جزء تصورات است یا تصدیقات
۱۰۷	باب ۱: نخستین مرحله تفسیر یا تفسیر در عهد پیامبر ﷺ و یاران او
۱۰۹	فصل ۱: فهم پیامبر ﷺ و صحابه از قرآن
۱۰۹	دیاچه
۱۱۰	فهم پیامبر ﷺ و صحابه از قرآن
۱۱۱	تفاوت صحابه در فهم قرآن

منبع یکم: قرآن کریم.....	۱۱۵
منبع دوم: پیامبر ﷺ.....	۱۲۶
جعل کردن بر رسول خدا ﷺ در تفسیر.....	۱۳۰
آیا پیامبر ﷺ سراسر قرآن را تبیین کرده است؟.....	۱۳۲
بخشی از قرآن که رسول خدا ﷺ برای یاران خود تبیین کرد.....	۱۳۳
ادله قائلان به اینکه: پیامبر ﷺ همه معانی قرآن را تبیین کرده است.....	۱۳۳
ادله قائلان به اینکه: پیامبر ﷺ بخش بسیار اندکی از معانی قرآن را برای یاران تبیین نمود.....	۱۳۵
افراط هر دو گروه.....	۱۳۶
بررسی ادله گروه اول.....	۱۳۷
بررسی ادله گروه دوم.....	۱۳۸
نظر برگزیده.....	۱۳۹
وجه های تبیین کنندگی سنت برای کتاب.....	۱۴۳
منبع سوم: اجتهاد و قدرت استنباط.....	۱۴۷
صحابه و ابزارهای اجتهاد در تفسیر.....	۱۴۷
اختلاف نظر صحابه در فهم مانی قرآن.....	۱۵۰
منبع چهارم: اهل کتاب، اعم از یهود و نصاری.....	۱۵۲
اهمیت این منبع نسبت به منابع قبلی.....	۱۵۳
فصل ۲: مفسران صحابه.....	۱۵۵
مشهورترین مفسران صحابه.....	۱۵۵
۱- عبدالله بن عباس.....	۱۵۷
سطح دانش.....	۱۵۸
علل و عوامل نبوغ ابن عباس.....	۱۶۰
ارزش ابن عباس در تفسیر قرآن.....	۱۶۳
رجوع ابن عباس به اهل کتب.....	۱۶۵
اتهام استاد گولذیهر و استاد احمد امین به ابن عباس و سایر صحابه در اقتباس فراوان از اهل کتاب.....	۱۶۶
نقد این اتهام.....	۱۶۸
رجوع ابن عباس به شعر قدیم.....	۱۷۰
روایت از ابن عباس و میزان صحت آن.....	۱۷۴
نقد یکی از ناقدان بر این «طریق».....	۱۷۵

۱۷۶.....	رد این نقد.....
۱۸۰.....	تفسیر منسوب به ابن عباس و ارزش آن.....
۱۸۱.....	عوامل جعل کردن بر ابن عباس.....
۱۸۱.....	۲- عبدالله بن مسعود.....
۱۸۳.....	میزان علم.....
۱۸۶.....	ارزش ابن مسعود در تفسیر.....
۱۸۸.....	روایت از ابن مسعود و میزان صحت آن.....
۱۸۹.....	۳- علی بن ابی طالب.....
۱۹۰.....	میزان دانش.....
۱۹۱.....	جایگاه تفسیری.....
۱۹۲.....	روایت از علی بن ابی طالب و میزان صحت آن.....
۱۹۴.....	۴- ابی بن کعب.....
۱۹۴.....	میزان دانش.....
۱۹۵.....	جایگاه تفسیری.....
۱۹۶.....	روایت از ابی بن کعب و میزان صحت آن.....
۱۹۷.....	فصل ۳: ارزش تفسیر مأثور از صحابه.....
۲۰۱.....	فصل ۴: ویژگی های بارز تفسیر در این مرحله.....
۲۰۳.....	باب ۲: مرحله دوم تفسیر یا تفسیر در عصر تابعین.....
۲۰۵.....	فصل ۱: سرآغاز این مرحله، منابع تفسیر در این عصر، مکاتب تفسیری شکل گرفته در آن.....
۲۰۵.....	سرآغاز این مرحله.....
۲۰۵.....	منابع تفسیر در این عصر.....
۲۰۶.....	مکاتب تفسیر در عصر تابعین.....
۲۰۷.....	۱- مکتب تفسیر مکه.....
۲۰۷.....	پایه گذار.....
۲۰۸.....	مشهورترین شخصیت ها.....
۲۰۸.....	۱- سعید بن جبیر.....
۲۰۸.....	جایگاه تفسیری.....
۲۱۰.....	۲- مجاهد بن جبر.....
۲۱۱.....	جایگاه تفسیری.....

١٣	مجاهد و تفسیر عقلی
١٥	٣- عکرمه
١٥	اختلاف علما در تفسیر او
١٥	نقدهای علمایی که او را مورد وثوق نمی‌دانند
١٦	رد این نقدها و دفاع عکرمه از خود
١٩	شهادت توفیق‌کنندگان
٢٠	میزان دانش و جایگاه تفسیری وی
٢٢	٤- طلوس بن کیسان یمنی
٢٢	زندگی‌نامه و جایگاه تفسیری
٢٣	٥- عطاء بن ابی رباح
٢٣	زندگی‌نامه
٢٣	جایگاه تفسیری
٢٤	٢- نسب تفسیری مدینه
٢٤	پایه‌گذار
٢٥	مشهورترین شخصیت‌ها
٢٥	١- ابی
٢٥	زندگی‌نامه و جایگاه تفسیری
٢٦	٢- محمد بن کب
٢٦	زندگی‌نامه و جایگاه تفسیری
٢٧	٣- زید بن اسلم
٢٧	زندگی‌نامه و جایگاه تفسیری
٢٩	٣- مکتب تفسیری عرق
٢٩	بنیانگذار
٢٩	مشهورترین شخصیت‌ها
٣٠	١- علقمه بن قیس
٣٠	زندگی‌نامه و جایگاه تفسیری
٣١	٢- مسروق
٣١	زندگی‌نامه و جایگاه تفسیری
٣٢	٣- اسود بن یزید
٣٢	زندگی‌نامه و جایگاه تفسیری
٣٣	٤- مره هملانی
٣٣	زندگی‌نامه
٣٤	٥- علمر شعی

۲۳۷.....	۶- حسن بصری
۲۳۷.....	زندگینامه و جایگاه تفسیری
۲۳۸.....	۷- قتاده
۲۳۸.....	زندگینامه و جایگاه تفسیری
۲۴۳.....	فصل ۲: ارزش تفسیر ماثور از تابعین.....
۲۴۵.....	فصل ۳: ویژگی‌های بارز تفسیر در این مرحله.....
۲۴۷.....	فصل ۴: اختلاف نظر سلف در تفسیر.....
۲۵۷.....	باب ۳: مرحله سوم تفسیر، یا تفسیر در عصر تدوین.....
۲۵۹.....	دیباجه: سرآغاز، گام‌های تدریجی تفسیر در این مرحله، و انواع تفسیر در هر گام.....
۲۵۹.....	سراغ.....
۲۵۹.....	گام یک: [نقار روایت از رسول خدا ﷺ، صحابه، و تابعین].....
۲۵۹.....	گام دوم: [روایت حدیث رسول خدا ﷺ].....
۲۶۰.....	گام سوم: [جدایان تفسیر از علم حدیث].....
۲۶۲.....	دشواری شناخت نخستین تدریس‌کننده تفسیر کل قرآن به ترتیب.....
۲۶۵.....	گام چهارم: [تصنیف تفسیر، مع تصحیح ساختن آسانید].....
۲۶۶.....	گام پنجم: [در آمیخته شدن تفسیر عقلی با عقلا].....
۲۶۶.....	تدریج تفسیر عقلی.....
۲۶۹.....	تفسیر موضوعی.....
۲۷۰.....	فراخ‌نگری مفسران پیشرو، بازدارنده مفسران متأخر و به ثبات قتل.....
۲۷۵.....	فصل ۱: تفسیر به ماثور.....
۲۷۵.....	ماهیت تفسیر به ماثور.....
۲۷۵.....	مراحل مختلف تفسیر ماثور.....
۲۷۸.....	گونه شخصی تفسیر ماثور.....
۲۸۰.....	ضعف در روایت تفسیر ماثور و علل و عوامل آن.....
۲۸۱.....	علل و عوامل ضعف.....
۲۸۲.....	۱- وضع (جعل کردن) در تفسیر.....
۲۸۲.....	پیدایش وضع (جعل) در تفسیر.....
۲۸۲.....	علل و عوامل وضع (جعل) در تفسیر.....
۲۸۴.....	تأثیر وضع (جعل) در تفسیر.....

- ارزش تفسیر موضوع (جعلی) ۲۸۹
- ۳- حذف اسناد ۲۹۰
- اسرائیلیات ۲۹۳
- دباجه‌ای درباره مراد از اسرائیلیات و میزان ارتباط آن با قرآن ۲۹۳
- سرآغاز ورود اسرائیلیات به تفسیر و تحول آن ۲۹۷
- گفتار ابن خلدون درباره اسرائیلیات ۳۰۸
- تأثیر اسرائیلیات در تفسیر ۳۱۰
- ارزش اسرائیلیات روایت شده ۳۱۰
- مضعگیری مفسر در برابر این نوع اسرائیلیات ۳۱۳
- بره‌های سرشناس روایت اسرائیلیات ۳۱۶
- ۱- عبدالله بن سلام ۳۱۷
- زندگینامه ۳۱۷
- میران دانش و عدالت ۳۲۰
- ۲- کعب‌الاعزاز ۳۲۲
- زندگینامه ۳۲۲
- میزان دانش ۳۲۳
- ثقه بودن و عدالت ۳۲۴
- اتهام استاد احمد امین به کعب ۳۲۴
- نقد این اتهام ۳۲۵
- اتهام شیخ رشید رضا بر کعب ۳۲۷
- نقد این اتهام ۳۲۷
- ۳- وهب بن منبه ۳۳۲
- میران علم و عدالت ۳۳۲
- خرده‌گیری برخی از مردم بر او ۳۳۴
- نظر ما درباره او و گواهی افرادی که وی را ثقه دانسته‌اند ۳۳۴
- ۴- عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج ۳۳۶
- زندگینامه ۳۳۶
- میزان دانش و عدالت ۳۳۶
- مشهورترین کتاب‌های تفسیر مأثور و ویژگی‌های آنها ۳۴۱
- ۱- جامع البیان فی تفسیر القرآن: اثر طبری ۳۴۲

۳۴۲.....	معرفی مؤلف.....
۳۴۲.....	میزان دانش و عدالت.....
۳۴۵.....	معرفی تفسیر طبری و روش مؤلف در آن.....
۳۴۸.....	روش ابن جریر در تفسیر.....
۳۴۹.....	رد ابن جریر بر تفسیر آیه بر اساس نظر محض.....
۳۵۱.....	موضع گیری درباره اسناد.....
۳۵۲.....	ارج گذاری به اجماع.....
۳۵۳.....	موضع گیری درباره قرائات.....
۳۵۴.....	موضع گیری درباره اسرائیلیات.....
۳۵۶.....	روگردانی در مطالب بی فایده.....
۳۵۷.....	پذیرش حکم کلام معرفی عرب.....
۳۵۸.....	رجوع به شعر قدیم.....
۳۵۹.....	اهتمام به رویکردها و مکاتب نحوی.....
۳۶۰.....	بررسی احکام فقهی.....
۳۶۲.....	ژرف کاوی در مسائل کلام.....
۳۶۷.....	۲- بحر العلوم: اثر سمرقندی.....
۳۷۸.....	معرفی تفسیر و روش مؤلف در آن.....
۳۷۰.....	۳- الكشف والبيان عن تفسير القرآن: اثر ثعلبی.....
۳۷۰.....	معرفی مؤلف.....
۳۷۱.....	معرفی این تفسیر و روش مؤلف در آن.....
۳۷۹.....	۴- معالم التنزيل: اثر بَغَوی.....
۳۷۹.....	معرفی مؤلف.....
۳۷۹.....	میزان دانش.....
۳۸۰.....	معرفی معالم التنزيل و روش مؤلف آن.....
۳۸۳.....	۵- المحرر الوجيز فی تفسير الكتاب العزيز: اثر ابن عطیه.....
۳۸۳.....	معرفی مؤلف.....
۳۸۴.....	جایگاه علمی.....
۳۸۵.....	معرفی این تفسیر، و روش مؤلف در آن.....
۳۸۸.....	۶- تفسير القرآن العظيم: اثر ابن کثیر.....

.....	زندگینامه	۲۸۸
.....	جایگاه علمی	۲۸۹
.....	معرفی این تفسیر و روش مؤلف در آن	۲۹۰
.....	۷- الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن: اثر ثعالی	۲۹۵
.....	معرفی مؤلف	۲۹۵
.....	معرفی این تفسیر، و روش مؤلف آن	۲۹۶
.....	۸- الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور: اثر سیوطی	۳۰۱
.....	معرفی مؤلف	۳۰۱
.....	معرفی این تفسیر و روش مؤلف در آن	۳۰۲
.....	مقدمه: ۲- تفسیر به رأی و مباحث مربوط به آن	۳۰۵
.....	معنای تفسیر به رأی	۳۰۵
.....	موضع گیری شما در تفسیر به رأی	۳۰۵
.....	حجیات اختلاف نظر در این باره	۳۱۶
.....	علوم مورد نیاز مفسر	۳۱۸
.....	منابع و مأخذ تفسیر	۳۲۸
.....	اموری که مفسر باید در تفسیر خودش از آنها پرهیز کند	۳۳۰
.....	انواع علوم قرآن	۳۳۲
.....	روش ضروری برای مفسر در تفسیر خود	۳۳۳
.....	قانون ترجیح در رأی	۳۳۶
.....	منشأ اشتباه در تفسیر به رأی	۳۳۷
.....	تعارض میان تفسیر مأثور و تفسیر به رأی	۳۴۲
.....	فصل ۳: مهم ترین کتاب های تفسیر به رأی جایز	۳۴۷
.....	دیباجه	۳۴۷
.....	۱- مفاتیح الغیب: اثر رازی	۳۴۹
.....	معرفی مؤلف	۳۴۹
.....	معرفی تفسیر و روش مؤلف در آن	۳۵۰
.....	اهتمام به بیان مناسبت میان آیات و سوره های قرآن	۳۵۳
.....	اهتمام به علوم ریاضی و فلسفی	۳۵۴
.....	موضع گیری در باره معتزله	۳۵۴

موضوعگیری در برابر فقه، اصول، نحو، و بلاغت.....	۴۵۵
۲- انوار التنزیل و اسرار التأویل: اثر بیضاوی.....	۴۵۷
معرفی مؤلف.....	۴۵۷
معرفی انوار التنزیل و روش مؤلف آن.....	۴۵۸
۳- مدارک التنزیل و حقائق التأویل: اثر نسفی.....	۴۶۷
معرفی مؤلف.....	۴۶۷
معرفی تفسیر و روش مؤلف در آن.....	۴۶۸
ژرف‌کاوی در مسائل نحوی.....	۴۶۹
موضوع‌گیری وی درباره قرائات.....	۴۷۰
ژرف‌کاوی در مسائل فقه.....	۴۷۰
موضوعگیری درباره اسرائیلیات.....	۴۷۲
۴- لباب التأویل فی معانی التنزیل: اثر خازن.....	۴۷۵
معرفی مؤلف.....	۴۷۵
معرفی تفسیر خازن و روش ژرف‌آن.....	۴۷۶
ذکر گسترده اسرائیلیات.....	۴۷۹
عنایت به اخبار تاریخی.....	۴۸۱
اهتمام به جنبه فقهی.....	۴۸۲
عنایت به مواعظ و اندرز.....	۴۸۴
۵- البحر المحيط: اثر ابوحیان.....	۴۸۵
معرفی مؤلف.....	۴۸۵
معرفی تفسیر و روش مؤلف آن.....	۴۸۷
۶- غرائب القرآن و رغائب الفرقان: اثر نیشابوری.....	۴۹۱
معرفی مؤلف.....	۴۹۱
معرفی تفسیر و روش مؤلف آن.....	۴۹۲
موضوع‌گیری درباره زمخشری و فخر رازی.....	۴۹۳
روش نیشابوری در تفسیر.....	۴۹۵
ژرف‌کاوی در مسائل کلامی.....	۴۹۶
ژرف‌کاوی در مسائل کیهانی و فلسفی.....	۴۹۷
گرایش صوفیانه در تفسیر نیشابوری.....	۴۹۸

- ۹۹..... تشیع نیشابوری
- ۱۰۵..... ۷- تفسیر جلالین: اثر جلال‌الدین محلی و جلال‌الدین سیوطی
- ۱۰۵..... معرفی مؤلفان
- ۱۰۷..... معرفی تفسیر و روش مؤلفان در آن
- ۱۱..... ۸- السراج المنیر فی الإعانة علی معرفة بعض معانی کلام ربنا الحکیم الخبیر: اثر خطیب شربینی
- ۱۱۲..... معرفی مؤلف
- ۱۱۳..... معرفی این تفسیر و روش مؤلف آن
- ۱۱۶..... موضعگیری درباره قرائات، آعاریب و حدیث
- ۱۱۷..... اهتمام به نکته‌های تفسیری و اشکالات مربوط به قرآن
- ۱۱۷..... عنایت به تناسب میان آیت
- ۱۱۷..... مسائلی درباره مسائل فقهی
- ۱۱۸..... زرف‌نوی در اسرائیلیات
- ۱۲۱..... نقل فردان از تفسیر خنجر رازی
- ۱۲۱..... ۹- ارشاد العقل السالم الی بابا الکتب الکریم: اثر ابوسعود
- ۱۲۱..... معرفی مؤلف
- ۱۲۳..... معرفی تفسیر و روش مؤلف در آن
- ۱۲۷..... عنایت به نمایان ساختن بلاغت قرآن و راز اعجاز آن
- ۱۲۷..... اهتمام به تناسب آیات و توجه به برخی از قرائت‌ها
- ۱۲۷..... روایت اندک از اسرائیلیات
- ۱۲۸..... روایت از برخی افراد مشهور به کذب (دروغ) دانی
- ۱۲۹..... روایت اندک مسائل فقهی
- ۱۳۰..... توجه به اعراب‌های موجود در آیات
- ۱۳۰..... ۱۰- روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی: اثر آلوسی
- ۱۳۰..... معرفی مؤلف
- ۱۳۳..... معرفی تفسیر و روش مؤلف در آن
- ۱۳۴..... جایگاه این تفسیر در میان تفاسیر قبلی
- ۱۳۵..... موضع آلوسی در برابر مخالفان اهل سنت
- ۱۳۸..... آلوسی و مسائل کیهانی و طبیعی

۵۳۸.....	توجه فراوان به مسائل نحوی
۵۳۹.....	موضعگیری درباره مسائل فقهی
۵۴۰.....	موضعگیری درباره اسرائیلیات
۵۴۲.....	پرداختن به قرانات، تناسب آیات و سوره‌ها، و اسباب نزول
۵۴۲.....	آلوسی و تفسیر اشاری
۵۴۵.....	فصل ۴: تفسیر به رأی ناپسند، یا تفسیر فرقه‌ها
۵۴۵.....	دیباجه‌ای بر پیدایش فرقه‌های اسلامی
۵۵۱.....	معتزله و موضع آنان درباره تفسیر قرآن کریم
۵۵۱.....	سخنی اجمال درباره معتزله و اصول مذهبی آنان
۵۵۱.....	پیدایش معتزله
۵۵۳.....	اصول معتزله
۵۵۷.....	موضع‌گیری معتزله درباره تفسیر قرآن کریم
۵۵۷.....	بنا ساختن تفسیر خود بر اصول پنج‌گانه
۵۵۸.....	رد معتزله بر احادیث صحیح مخالف آنان
۵۶۰.....	ادعای اینکه همه کارهای تفسیری آن قرآن خداوند است
۵۶۱.....	اصل لغوی در تفسیر و اهمیت آن در نظام معتزله
۵۶۳.....	دخل و تصرف معتزله در قرأت‌های متواتر مذهب آنان
۵۶۵.....	نقد ابن قتیه از این مسلک اعتزالی در تفسیر
۵۷۰.....	بهانه ساختن فرض‌های مجازی، در صورت دیرپای‌نمایی ظاهر قرآن
۵۷۱.....	تفسیر قرآن در پرتو حقایق دینی انکارشده
۵۷۴.....	حکم امام ابوالحسن اشعری بر تفسیر معتزله
۵۷۵.....	حکم ابن تیمیه بر تفسیر معتزله
۵۷۶.....	حکم ابن قیم بر تفسیر معتزله
۵۷۶.....	مهم‌ترین کتاب‌های تفسیر اعتزالی
۵۸۰.....	۱- تنزیه القرآن عن المطاعن: اثر قاضی عبدالجبار
۵۸۰.....	معرفی مؤلف
۵۸۲.....	معرفی تفسیر و روش مؤلف آن
۵۸۳.....	برخی از موضعگیری‌های وی درباره اشکالات مربوط به فن عربی
۵۸۶.....	برخی از موضعگیری‌های وی درباره اشکالات اعتقاد اعتزالی
۵۸۶.....	هدایت و گمراهی
۵۸۹.....	آزار رساندن شیطان

- ۹۱..... رؤیت خداوند
- ۹۳..... افعال بندگانه
- ۹۴..... منزلت بین منزلتین
- ۹۵..... توسل به مجز و تشبیه در آیاتی که ظاهر آنها را بعید می‌داند
- ۹۸..... ۲- آمالی شریف مرتضی: یا غرر الفوائد و درر القلائد
- ۹۸..... معرفی مؤلف
- ۹۹..... معرفی ابن تفسیر و روش مؤلف در آن
- ۱۰۰..... رؤیت خداوند
- ۱۰۲..... اراده و آزادی افعال
- ۱۰۸..... عدم پذیرش برخی از ظواهر قرآن
- ۱۱۳..... روش لغوی در تفسیر وی از قرآن
- ۱۲۹..... دفع توهم اختلاف و تناقض
- ۱۳۸..... ۳- الف من حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل: زمخشری
- ۱۳۸..... معرفی مؤلف
- ۱۴۱..... معرفی ابن تفسیر و روش مؤلف در آن
- ۱۴۱..... داستان تفسیر کاف
- ۱۴۳..... ارزش علمی کاف
- ۱۴۶..... گفتار ابن بشکول درباره کاف
- ۱۴۶..... گفتار شیخ حیدر هروی
- ۱۴۸..... گفتار ابوجحان
- ۱۵۱..... گفتار ابن خلدون
- ۱۵۲..... گفتار تاج سبکی
- ۱۵۵..... اهتمام به جنبه بلاغی قرآن
- ۱۵۸..... توسل به معانی لغوی برای حمایت از مذاهب اعراسی
- ۱۶۰..... تکیه بر فرض‌های مجزوی، و توسل به تمثیل و تخیل، معاضد به ظاهر آنها را بعید می‌داند
- ۱۷۰..... اصل زمخشری در تفسیر، در صورت تصادم نص قرآنی با سبکی
- ۱۷۴..... حمایت از عقاید معتزله
- ۱۷۴..... دفاع از مکتب معتزله درباره مرتکب گناهان کبیره
- ۱۷۷..... دفاع از مکتب معتزله در زمینه حسن و قبح عقلی
- ۱۷۸..... دفاع از مکتب معتزله در زمینه سحر
- ۱۸۰..... دفاع از معتزله در زمینه آزادی اراده و خلق افعال
- ۱۸۴..... نزاع عقیده در میان زمخشری و اهل سنت
- ۱۸۵..... حمله زمخشری به اهل سنت

۶۸۹.....	حمله ابن قیم به زمخشری
۶۸۹.....	حمله ابن منیر به زمخشری
۶۹۸.....	موضعگیری درباره مسائل فقهی
۷۰۲.....	موضعگیری درباره اسرائیلیات
۷۱۳.....	شیعه و موضعگیری آنان درباره تفسیر قرآن کریم
۷۱۳.....	سخنی اجمالی درباره شیعه و عقاید آنان
۷۱۶.....	زیدیه
۷۱۷.....	بنیاد مذهب زیدی
۷۱۸.....	امامیه
۷۱۹.....	امامیه اثناعشری
۷۲۰.....	مشهورترین آموزه‌ها، امامیه اثناعشری
۷۲۱.....	امامیه اسماعیلی
۷۲۳.....	موضعگیری شیعه درباره تفسیر قرآن کریم
۷۲۴.....	نمونه‌ای از تأویلات شیعه
۷۲۵.....	نمونه‌ای از تأویلات بیانی
۷۲۵.....	نمونه‌ای از تأویلات مغریه
۷۲۷.....	نمونه‌ای از تأویلات منصویه
۷۲۸.....	نمونه‌ای از تأویلات خطایی
۷۲۹.....	نمونه‌ای از تأویلات عبیدین
۷۳۳.....	امامیه اسماعیلیه (باطنیه) و موضعگیری آنان درباره تفسیر قرآن کریم
۷۳۳.....	سخنی اجمالی درباره اسماعیلیه، عقاید، و اهداف آنان
۷۳۳.....	بنیان‌گذاران این فرقه
۷۳۴.....	ترفند آنان برای دستیابی به اهداف خود
۷۳۵.....	مراتب دعوت از نظر باطنیه
۷۳۸.....	دستآورد باطنیه در تفسیر قرآن کریم
۷۳۹.....	موضعگیری پیشینیان باطنیه درباره قرآن کریم
۷۴۰.....	نمونه‌هایی از تأویلات پیشینیان باطنیه
۷۴۸.....	گفتار محمد بن مالک یمانی درباره باطنیه
۷۵۷.....	موضعگیری متأخران باطنیه درباره تفسیر قرآن کریم
۷۵۷.....	دیباچه‌ای درباره گسترش باطنیه در کشورهای مختلف و القاب متعدد آنان

۷۵۸.....	بایبه و بهائیه.....
۷۵۸.....	سخنی اجمالی درباره پیدایش بایبه و بهائیه.....
۷۶۰.....	بهاء الله.....
۷۶۱.....	پیوند میان عقاید بایبه و عقاید پیشینیان باطنیه.....
۷۷۰.....	موضع بایبه و بهائیه درباره تفسیر قرآن کریم.....
۷۷۰.....	ابوالفضائل ایرانی و ایراد گرفتن از تفاسیر اهل سنت.....
۷۷۲.....	دستاورد بایبه و بهائیه در تفسیر و نمونه‌هایی از تأویلات فاسد آنان.....
۷۷۲.....	نمونه‌هایی از تأویلات باب.....
۷۷۴.....	نمونه‌ای از تأویلات بهاء الله.....
۷۷۵.....	نمونه‌ای از تأویلات عبدالبهاء عیسی.....
۷۷۶.....	[نمونه‌هایی از تأویلات پیروان و دعوت‌گزاران بایبه و بهائیه].....
۷۹۳.....	زیدیه و مذهب اهل بیت درباره تفسیر قرآن کریم.....
۷۹۳.....	دیباچه.....
۷۹۴.....	مهم‌ترین کتب تفسیری زیدیه.....
۷۹۸.....	فتح القدیر: اثر شوکانی.....
۷۹۸.....	معرفی مؤلف.....
۸۰۰.....	معرفی تفسیر و روش تفسیر در آن.....
۸۰۰.....	روش شوکانی در تفسیر.....
۸۰۳.....	نقل کردن روایات موضوع (جعلی) ضعیف.....
۸۰۵.....	نکوهش تقلید و مقلدان.....
۸۱۰.....	حیات شهاده.....
۸۱۱.....	توسل.....
۸۱۳.....	موضع‌گیری درباره آیات متشابه.....
۸۱۴.....	موضع‌گیری درباره آرای معتزله.....
۸۱۸.....	موضع‌گیری درباره مسئله خلق قرآن.....
۸۲۱.....	خوارج و موضع‌گیری آنان درباره تفسیر قرآن.....
۸۲۱.....	سخنی اجمالی درباره خوارج.....
۸۲۷.....	موضع‌گیری خوارج درباره تفسیر قرآن کریم.....
۸۲۷.....	سیطره مذهب، و غلبه آن بر فهم خوارج از قرآن.....
۸۳۵.....	میزان فهم خوارج از نصوص قرآن.....
۸۳۹.....	موضع خوارج درباره اهل سنت، و اجماع امت، و تأثیر آن در تفسیر آن‌ها از قرآن.....

۸۴۱.....	دستاورد تفسیری خوارج.....
۸۴۴.....	علل و عوامل اندک بودن دستاورد تفسیری خوارج.....
۸۴۶.....	همیان الزاد إلى دار المعاد: اثر محمد بن یوسف إطفش.....
۸۴۶.....	معرفی مؤلف.....
۸۴۷.....	معرفی تفسیر و روش مؤلف در آن.....
۸۴۹.....	حقیقت ایمان.....
۸۵۱.....	موضع گیری درباره افراد مرتکب گناه کبیره.....
۸۵۳.....	حمله به اهل سنت.....
۸۵۳.....	آمزش گنلهان.....
۸۵۶.....	نظر وی درباره شفاعت.....
۸۵۸.....	دویت خداوند متعل.....
۸۶۰.....	افعال بندگکن.....
۸۶۱.....	موضع گیری در آیه آت متشابه.....
۸۶۲.....	موضع گیری درباره عرفا.....
۸۶۴.....	موضع گیری در آیه شیعیه.....
۸۶۴.....	موضع گیری درباره حکماء.....
۸۶۶.....	ستایش خوارج و ذکر کائنات از جایگاه عثمان (بن عفان)، علی (بن ابی طالب) و طرفداران آنها.....
۸۷۳.....	اعتماد به نفس نسبت به خود و حمله به جمهور مسلمانان.....
۸۷۵.....	فصل ۵: تفسیر صوفیه.....
۸۷۵.....	دیباجه.....
۸۷۵.....	اصل کلمه تصوف.....
۸۷۶.....	معنای تصوف.....
۸۷۶.....	پیدایش تصوف و تحوّل آن.....
۸۷۸.....	انواع تصوف.....
۸۷۸.....	[انواع تفسیر صوفیانه].....
۸۷۸.....	یکم: تفسیر نظری صوفیانه.....
۸۷۹.....	ابن عربی: شیخ این روش.....
۸۷۹.....	تأثیرپذیری ابن عربی از نظریات فلسفی.....
۸۸۱.....	تأثیرپذیری ابن عربی از نظریه وحدت وجود.....
۸۸۴.....	قیاس غایب بر شاهد در نزد ابن عربی.....
۸۸۶.....	ابن عربی و تابع قرار دادن قواعد نحو در برابر ظرات صوفیانه خوش.....

- ۸۸۷..... تفسیر نظری صوفیانه در ترازو
- ۸۹۴..... تفسیر نظری صوفیانه از نظر نگارنده
- ۸۹۵..... دوم: تفسیر فیضی یا اشاری صوفیانه
- ۸۹۵..... حقیقت این نوع تفسیر
- ۸۹۶..... تفاوت میان تفسیر اشاری با تفسیر نظری صوفیانه
- ۸۹۶..... آیا تفسیر اشاری، مبنایی شرعی دارد؟
- ۹۰۱..... تفاوت در ادراک معنی باطنی و صواب بودن آن‌ها
- ۹۰۳..... تفسیر اشاری در ترازو
- ۹۱۶..... گفتار شاطب درباره تفسیر اشاری
- ۹۱۹..... گفتار برخی از علما درباره تفسیر اشاری
- ۹۱۹..... گفتار ابن الاح [شهرزوری]
- ۹۲۰..... گفتار سعدالدین تفتازانی
- ۹۲۰..... گفتار ابن عطایه سکندری
- ۹۲۲..... گفتار ابن عربی درباره تفسیر اشاری
- ۹۲۸..... نظری درباره گفتار ابن عربی
- ۹۳۲..... شروط پذیرش تفسیر اشاری
- ۹۳۴..... مهم‌ترین کتاب‌های تفسیر اشاری
- ۹۳۵..... ۱- تفسیر القرآن العظیم: اثر تستری
- ۹۳۵..... معرفی مؤلف
- ۹۳۵..... معرفی تفسیر و روش مؤلف در آن
- ۹۳۹..... ۲- حقایق التفسیر: اثر سلمی
- ۹۳۹..... معرفی مؤلف
- ۹۴۰..... معرفی تفسیر و روش مؤلف
- ۹۴۱..... نقد و نكوهش برخی از علما بر این تفسیر
- ۹۴۲..... نظرگاه مؤلف درباره این نقدها
- ۹۴۳..... نمونه‌هایی از تفسیر سلمی
- ۹۴۷..... ۳- عرائس البیان فی حقائق القرآن: اثر ابومحمد شیرازی
- ۹۴۷..... معرفی مؤلف
- ۹۴۷..... معرفی تفسیر
- ۹۵۱..... ۴- التأویلات النجمیه: اثر نجم‌الدین دایه و علاءالدوله سمنانی
- ۹۵۱..... معرفی مؤلفان

- ۹۵۲..... نجم‌الدین دایه
- ۹۵۲..... علاءالدوله سمنانی
- ۹۵۳..... معرفی ابن تفسیر و روش مؤلفان آن
- ۹۵۵..... نمونه‌هایی از تأویلات نجم‌الدین دایه
- ۹۵۹..... نمونه‌هایی از تأویلات (علاءالنوله) سمنانی
- ۹۶۱..... ۵- تفسیر منسوب به ابن عربی
- ۹۶۱..... مؤلف این تفسیر کیست؟
- ۹۶۳..... معرفی ابن تفسیر و روش مؤلف در آن
- ۹۶۷..... نمونه‌هایی از تفسیر اشاری
- ۹۶۸..... نمونه‌هایی از تفسیر مبتنی بر وحدت وجود
- ۹۷۱..... ابن ربی و مکتب وی در تفسیر قرآن کریم
- ۹۷۱..... زین‌الدین ابن عربی
- ۹۷۱..... ابن عربی، میان دشمنان و مریدان
- ۹۷۲..... جایگاه علمی
- ۹۷۳..... مکتب ابن عربی و آثار وجود
- ۹۷۶..... مکتب ابن عربی در تفسیر قرآن کریم
- ۹۷۸..... نمونه‌هایی از تفسیر نظری عرفان
- ۹۸۰..... نمونه‌هایی از تفسیر اشاری
- ۹۸۲..... نمونه‌هایی از تفسیر ظاهر

به یاد آن حکیم خیر خواه خارجی که فرمود:

تفسیر نتوانستند قرآن را معرفی کنند.

زاهد ویسی

پیش درآمد مترجم

اکنون که این نکات را به مثابه روزنه‌ای رو به سوی این کتاب گرانسنگ می‌نگارم تا حد زیادی معنای اصطلاح «سهل و ممتنع» ادبا را درک می‌کنم. با آنکه پیش‌تر با ترجمه نام زبان و بیان، و ناتوانی آنها از نمایان ساختن راستی موجود در درون، و نشان دادن سیمای صادق تصویر نهفته در جان، گرفتار آمده‌ام، با این حال، اکنون علاوه بر این درد همواره و همراه، آزرمی مملو از سرافکندگی و شرمساری نیز با آن همگام گشته است و از اینکه در این وادی لب به سخن بگشایم، تا گویا سخن را با خواننده جویا و پویای این راه و روش در میان بگذارم که نشان از دانش و پزیش باشد، از فرق سر تا سر انگشتان پا غرق در عذاب و عقوبتم و گمانم آن است که این کار و ترجمه، حجتی است بر من؛ در آن روز پر زنهاری که دست و دامن خویان و نیکان نیز از ترس و هراس مقبول نشدن و طرد و رد آن یار دلنواز در تب و لرز است؛ تا چه رسد به سیه‌رویانی چون من، نامه‌سیاه زشت‌کار نیک‌نمایی که با آنکه شایان و سزاوار طرد و ردند، لب از سخن در باب خیر و خوبی نمی‌بندند و به قول معروف:

وَعَيْرُ تَقِيٍّ يَأْمُرُ النَّاسَ بِالتَّقَى طَيِّبٌ يُدَاوِي النَّاسَ وَهُوَ عَلِيلٌ
ترجمه: ناپرهیزکاری که مردم را به پرهیزکاری فرمان می‌دهد؛ طیبی است که

مردم را مداوا می‌کند؛ حال آنکه خود وی بیمار است!

اما با این همه، به رحمت خداوند امیدوارم که شاید با این کار، توفیق الهی

رفیق شده و مرا نیز چون آن گمشده در وادی مَناهی، با جمع نیکان و خوبان خویش همراه ساخته است تا شاید بویی از خوبی و روشنایی آنان بر من مسکینِ پراز سیاهی و تباهی بتابد و بترAUD و از آن چاهی که گرفتار آنم برون آیم؛ زیرا زندگی مادی و عادی نیز به من آموخت که:

پاک و صافی شو و از چاه طبیعت به در آی

که صفایی ندهد آب تُسراب‌آلوده

باوری نیز هست که شاید مشمول دعای خیر یکی از خوانندگان خوش‌حالی شده باشم که سال‌ها است در وادی ترجمه، با آنان در پیوندم و با آنکه کمتر در جمعی حضور دارم، با این حال جان جویای وی در سحرگاهان پیر از نسیم خنک آمرزش، مرا نزد دعا‌یی یا سلامی، شرکت داده باشد، و از نفس گرم آن خیرخواه نادیده، بخورم و بهره‌مند شده باشم.

باری، آنچه به طور مختصر شرح از رفت، دردی است که سال‌ها است در درون خویش دارم و اکنون که این سب را به سفارش ناشر ارجمند و محترم، به زبان فارسی برگردانده‌ام، زخم کهنه‌ام سر باز کرده آه و افسوس خفته‌ام بیدار گشت و بار دیگر آتشی در نیستان وجودم افتاد که همه اجزا و اعضای وجودم را شمع‌ی بر مزار خویش ساخت! که چرا این گونه شد؟ و چگونه افراد و جماعتی که خود را پیرو پیامبر ﷺ می‌دانند و بر این باورند که ایشان، همان آیین مورد پسند خداوند است و در قیامت جز آن، آیین دیگری پیدا نخواهد شد، این گونه در کردار و گفتار، و حتی در پندار خویش، از نیکی‌های آن آیین آسمانی فاصله گرفته و از برکات و ثمرات مادی و معنوی آن، بی‌نصیب مانده‌اند. ساده‌ترین آزمایش برای درستی این سخن، تفاوت آشکار و صریح میان مطالب مندرج در کلام خداوند، با عملکرد و کارنامه کسانی است که می‌پندارند بر همان پیمان ازلی خویش‌اند و راهی به جز راه و روش مورد پسند و پذیرش آن یار دلتواز را در پیش نگرفته و گامی را بر خلاف خواست و مُراد وی

بر نداشته‌اند! این واقعیت تلخ، جان جویندگان راستین را می‌گزد و چنان سهمگین و پر از هول و هراس است، که کوه هم از آن می‌لرزد و به سان آتشفشانی عظیم دل‌های سنگلاخ و خارا را نیز ذوب می‌سازد. از عظمت به خواری، از عزت به زاری، و از باریتر بودن بار گران امت‌ها و ملّت‌های در بند و گرفتار، به تبدیل شدن به باری بر دوش آنان، نشانه‌های اندک و کوچکی نیست که بتوان آنها را ندید و نادیده گرفت. این امت، آمد که یار شاطر امت‌ها باشد و به فرموده و امر خداوند عز و جل، «بهترین امتی است که به سود انسان‌ها آفریده شد.» «طبعاً امتی است که همه کارهایش بر اساس آیین استوار الهی است و از ساده‌ترین کارایی نظیر خور و خواب، نوشیدن، پوشیدن، و سخن گفتن گرفته، تا ارتباطات فیزی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اعتقادی، نظامی، علمی، تا ارتباط با خود، دیگران، محیط پیرامونی، و خلاصه، هر گونه افعال، اعمال، امیال، و حتی آمال و آرزوهای خود را نیز بر طبق موازین سنجیده، و سازگار با سرشت انسانی انجام می‌دهد. ما در عمل دیده می‌شود که این گونه نیست! و حتی گونه‌های دیگری از گفتار و کردار در میان این دسته از مردم ساری و جاری است که انسان را در سرگشتگی، حیرتی ژرف و تودرتو می‌افکند که مگر می‌شود فاصله میان «برنامه» و «اجرا» تا این حد فراوان باشد؟ مگر می‌شود میان یک «آیین» و «پیروان» آن، این همه شکاف، اختلاف باشد؟ و مگر می‌شود با این همه تفاوت و تباین، باز هم آنها را همراستار هم بدانیم؟ دانست؟! به قول شاعر معاصر فارسی‌سرا:

ای کوه! تو فریاد من امروز شنیدی

دردی است در این سینه که همزاد جهان است

فریاد، ز «داد» آن همه «گفتند» و «نکردند»

پارب! چه قدر فاصله دست و زبان است؟

آری، به راستی «فاصله دست و زبان، مگر چه قدر است؛ خدایا؟!» و اساساً مگر در کتاب خداوند بیان نشده است که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ

* كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ * إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ؟^۱ چگونه است که فاصله میان گفتار با کردار تا حدی است که انگار گفتار از آن یک فرد و کردار از آن دیگری است؟! آیا به این خاطر نیست که به جای آنکه «سُرب» باشیم، «سراب» هم نیستیم؟!*

در این اواخر، در شعر یکی از نوپردازان خواندم که در بیتی از آن نوشته بود:

«بی خداوندی» به بادم داد؛ اهل دین شدم

با من و الحاد من، اعجاز دین کاری نکرد

این سخن را با دوستان دیندار، دلسوز، و دردشناس خویش در میان می‌نهم تا شاید آنان نیز همان تعبیر شکسته من بسوزند و از خاکستر دل‌هایی که با صداقت و صمیمیت برای آیین خدا و بندگان وی، آتش گرفته‌اند، نوزاد پاک‌آیین، پاک‌گفتار، و پاک‌رفتاری متولد شود که راه نیاکان نیکوکارمان را در این وادی زنده و سازنده سازد.

آنچه در این باره از تعلیمات «شاهد»^۲، احیاگر آموخته‌ام این است که می‌توان به اعتباری آفات موجود در دین‌ورزی ناستوار و ناستوده، و آسیب‌های ناشی از آن را به سه عامل اصلی ارجاع داد: سیاست‌زدگی، شکلیات‌زدگی، و علم‌زدگی. طبیعی است که برخی از افراد دیگری که به این امر می‌اندیشند رهیافت‌ها و رویکردهای دیگری داشته باشند. مهم، اختلاف نظر، یا تعدد و تنوع نظری نیست. امر مهم، اقدام‌های آگاهانه یا ناآگاهانه‌ای است که از پایبندی عملی و راستین به آیین الهی باز می‌دارد یا به نوعی ناسنجیدگی، ناراستی‌ها، کمبودها، و کاستی‌های آنان را نیز به عنوان دین خدا به آنان و دیگران معرفی

۱. سوره صف، آیه ۲ - ۴: ای مؤمنان چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید.* نزد خداوند بس منفور است که چیزی را بگویید که انجام نمی‌دهید.* در حقیقت خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف جهاد می‌کنند، چنانکه گویی ایشان بنیادی ریخته از سرب‌اند.

می‌کند و به این ترتیب، عملاً موجب ایجاد شکاف و اختلاف در میان «گفتار» و «کردار» می‌گردد.

در این مجال مختصر، امکان شرح و بسط این گردنه‌های پر از سنگلاخ نیست. با این حال، می‌توان حد مشترک، هر سه عامل نامبرده را «تفرق»، و به بیان صحیح‌تر، «متفرق ساختن» امت دانست. دردِ تفرق، چنان آفتی را بر جان امت وارد ساخت که تنها آگاهان بابصیرت قدرت درک حجم آسیب‌های ناشی از آن را دارند؛ زیرا نقطه مقابلِ تفرق، یعنی اتحاد، صرفاً به معنای تجمع کمی افراد در یک جا و یک زمان نیست. تا به این صورت، مفهوم تفرق، تقلیل‌یافته و به معنای عدم تجمع کمی افراد در یک جا و یک زمان باشد. اتحاد، در اصل یعنی، هم‌سوی، هم‌مسیری، هم‌راستایی، و داشتن اهداف و مقاصد واحد و یک‌سو؛ حتی اگر «لحاظ زمانی و مکانی نیز امکان تجمع این گونه افراد، فراهم نباشد و یا از حیث کمی، چندان چشمگیر و قابل عنایت نباشد.

برای نمونه، اصحاب کعبه، از لحاظ تعداد، بسیار اندک بودند. اما خداوند متعال، این گونه درباره آنان فرموده است: «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا * فَضَرْبْنَاَ مَلَأْنَاهُمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا * ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْجُزْئَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا * نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى * وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالَ رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا»^۱

۱. سوره‌ی کعبه، آیه‌ی ۱۰ - ۱۳: چنین بود که جوانمردان به غار پناه بردند و گفتند پروردگارا رحمتی از سوی خویش به ما ارزانی دار و کار ما را به سامان آور. * آنگاه در همان غار بر [چشمها و] گوشهایشان تا چندین سال پرده کشیدیم. * آنگاه از خواب بیدارشان ساختیم تا معلوم بداریم که کدام یک از دو گروه، حساب مدت درنگ [و خواب]شان را بهتر می‌شمارد. * ما داستانشان را به راستی و درستی بر تو می‌خوانیم: ایشان جوانمردانی بودند که [در نهان] به پروردگارشان ایمان آورده بودند و ما بر هدایتشان افزودیم. * و دلهایشان را استوار داشتیم که برخاستند و گفتند پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است، ما جز او خدایی نمی‌پرستیم که

با این حال، خداوند متعال، در بارهٔ این دستهٔ بسیار اندک از جوانان فرموده است: «وَإِذْ اعْتَرَفْتُمُوهُمْ وَمَا يُغْنِي عَنْهُمْ إِلَّا اللَّهُ فَأَوْفُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْقًا»^۱

در بارهٔ یاران طالوت نیز فرموده است: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ * وَبَرَزُوا لِلْجَالُوتِ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَكَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَانْضَرَبْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ * فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مَا يَشَاءُ»

در اینجا نیز بار دیگر، رسید، اعتبار خود را از دست می‌دهد، و هم‌مسیر

در آن صورت هر چه بگوییم باطل گفته‌ایم.

۱. سوره‌ی کُف، آیه‌ی ۱۶؛ و چون از ایشان و آنچه جز خداوند می‌پرستند، کناره‌گرفتید، در آن غار جای گیرید تا پروردگارتان رحمت خویش را بر شما نازل و کار شما را به سامان آورد.
۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی: ۲۴۹ - ۲۵۱؛ و هنگامی که طالوت با سپاهیان را سپار شد، گفت خداوند آزماینده شما به جویباری است، که هر کس از آن بنوشد از من نیست، و هر کس از آن نخورد او از من است، مگر آنکه مشتی [آب] به دست خویش برگیرد؛ اما جز اندکی از اسبان، همه از آن نوشیدند؛ و چون او و کسانی که همراه او ایمان آورده بودند، از آن جوی برگزشتند، [بددلان] گفتند ما امروز تاب جالوت و سپاهیان را نداریم؛ [اما] کسانی که یقین داشتند که به لقای الهی خواهند رسید، گفتند چه بسا گروهی اندک‌شمار که به توفیق الهی بر گروهی انبوه پیروز گردیده است، و خداوند با شکیبایان است. * و چون با جالوت و سپاهیان رو در رو شدند گفتند پروردگارا بر ما [باران] صبر فرو ریز و گامهای ما را استوار بدار و ما را بر خدانشناسان پیروز گردان. * آنگاه به توفیق الهی آنان را شکست دادند و داود جالوت را کشت، و خداوند به او فرمانروایی و پیامبری ارزانی داشت و از هر آنچه خواست به او آموخت.

بودن آن گروه اندک، مایه پیروزی و بهروزی گشت. نمونه‌های فراوان دیگری نیز از این قبیل وجود دارد که بارزترین آنها، خود پیامبران علیهم‌السلام هستند که به تنهایی در برابر آن همه از سران زر، زور، و تزویر ایستادند و اندک اندک افراد هم‌سو و هم‌مسیر را پرورش دادند. درباره یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز فرموده است: «وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ خَافُونَ أَنْ يَخَطَفَكُمْ النَّاسُ». اما دیده شد که آن یاران کم و اندک، بسیاری از ابهت‌ها و انبوهه‌ها را کنار زدند و پیام پروردگار را مطابق آنچه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تبیین کرده بود، به سرزمین‌هایی که مقرر بود، رساندند. بر این اساس، از نگاه و نظر این نگارنده، اتحاد و تفرق را نباید با مقیاس کمیت و تعداد پیروان سنجید. بلکه، برای آن معیاری کیفی وجود دارد. به طوری که با التزام به آن، می‌توان بسیاری از جمع‌های انبوه و پر شمار را نیز «متفق» دانست. برای نمونه، قرآن در جایی بیان کرده است: «تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقَدْ تَنَافَرَتْ» تِلْكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ. به این ترتیب، می‌توان دریافت که در ورای دهه‌بی‌گوناگون، حقایقی نهفته‌اند که در بسیاری از مواقع با واقعیت متفاوت و حتی متضادند.

باری، مراد آن است که نشان داده شود، تفرق، عاملی اصلی برای ناکام گذاشتن امت، از نیل به مقاصد و اهداف والایین است که این دین، از روز نخست برای تحقق آنها پا به میدان نهاد و تا آنجا که تفرق، به جای دین، و تفرق‌آفرینان به عنوان امیر و سردار آیین معرفی و ستایش نشده بودند، و چنان نبود که هر کس در گوشه‌ای علم گروه یا گروهکی را بیفزاید و گرهی در کار دین دراندازد و با این حال، نه تنها به عنوان عیب و ایراد و امری منکر تلقی نشود، بلکه از آنان به عنوان حضرات، و آقایان و عالیجنابان نام برده شود. حال

۱. سوره انفال، آیه ۲۶: و یاد کنید آنگاه که در این سرزمین اندک‌شمار [و] مستضعف بودید [و] می‌ترسیدید که مردمان [کافر] شما را [از خانه و کاشانه‌تان] آواره کنند.

۲. سوره حشر، آیه ۱۴: آنان را همدست می‌انگاری، حال آنکه دل‌هایشان پراکنده است؛ این از آن است که قومی ناب‌خردند.